

دکتر بیانی (خانابا)

رئیس دانشکده ادبیات تبریز و استاد تاریخ دانشگاه تهران

بناام خدا

ایتر پرسیکوم<sup>(۱)</sup>

یا

شرح مسافرت در ایران

بوسیله

اتی بن کاوش دوزالون کمنی<sup>(۲)</sup> سفیر کبیر امپراطور ردلف دوم<sup>(۳)</sup>

به دربارهای گراندوک مسکو و شاه عباس پادشاه ایران

که

بآلمانی ترجمه شده و بوسیله ژرژ تککاندرفون دریابل<sup>(۴)</sup> باامپراطور ردلف تقدیم شد

شارل شفر<sup>(۵)</sup> مترجم رسمی دولت فرانسه و رئیس آموزشگاه السنه زنده پاریس

بفرانسه ترجمه و منتشر کرد

پاریس ۱۸۷۷

دوره<sup>(۶)</sup>

شرح مسافرت اتی بن کاوش دوزالون کمنی بوسیله ژرژ تککاندرفون

دریابل تدوین و تنظیم شد؛ در این رساله اطلاعات بسیار دقیق و مفیدی

از اوضاع روسیه در اوایل قرن هفدهم میلادی و شرح حال شاه عباس

۱- Iter Persicum. ۲- E. K. de Zalenkemeny. ۳- Rodolphe ۴-G. Tectander von der Jabel. ۵- ch. Schefer.

۶- مطالبی که در میان دو خط ابرو مذکور است از کتاب تاریخ ایران تألیف دکتر

بیانی باصل ترجمه بمناسبت اضافه شده است

کبیر و جنگهای او با عثمانیها و فتوحاتش در آذربایجان و در ارمنستان داده شده است، برای روشن شدن اوضاع آنزمان و علل تقاضای امپراطور ودلف دوم از دخالت گراندوک مسکو و پشتیبانی شاه عباس در جنگی که در این تاریخ میان اطریش و عثمانی درگیر شده بود و نیز سیاست پادشاه ایران به بیان مقدمه مختصری مبادرت می‌ورزد.

فرانسوآی اول (۱) پادشاه فرانسه (۱۵۱۵ - ۱۵۴۷) پس از عقد معاهده مادریه (۱۳ ژانویه ۱۵۲۹) در نتیجه شکست پاوی (۲) از شارل کن (۳) امپراطور اسپانیا و اطریش (در صدد برآمد با دولت عثمانی که آن نیز مانند فرانسه مایل بضعف و بر افتادن قدرت اطریش بود در اتحاد و دوستی داخل شود، این اتحاد با استثناء بعضی مواقع بسیار کوتاه بلا اقطاع تا صلح ورسای (۴) (۱۷۵۶) بطول انجامید و حتی در زمان سلطنت هانری دوم (۱۵۴۷ - ۱۵۵۹) و هانری چهارم (۱۵۸۹ - ۱۶۱۰) باندازه‌ای نفوذ سیاسی فرانسه در دربار عثمانی زیاد شد که دولت اطریش مجبور شد دست اتحاد بجانپ بعضی دول اروپائی دراز کند.

از آغاز سال ۱۵۹۲ میلادی یک رشته جنگهایی میان اطریش و عثمانی در گرفت که به تناوب بفتح یگی و ضرر دیگری تمام می‌شد تا اینکه در سال ۱۶۵۰ سفیری بنام آنطونی شرلی (۵) از طرف شاه عباس کبیر پادشاه ایران به پراگ (۶) مقر امپراطور اطریش رسیده و اعتبارنامه‌های خود را تقدیم امپراطور نمود.

۱. Francois I er .
۲. Pavie .
۳. Charle - Quint .
۴. Le Paix du Versailles .
۵. Antony Sherfey .
۶. Prague .



شاه عباس کبیر

(اقتباس از تاریخ روابط ایران و اروپا تألیف آقای فلسفی)

«توقف فتوحات عثمانیها در اروپا در نزدیکی وینه نظر باب عالی را برای بسط نفوذ بجانب آسیا معطوف داشت ایران که در این زمان گرفتار اختلافات داخلی و کشمکشهای دوخاندان آق-قویونلو و قره قویونلو و مدعیان دیگر تاج و تخت بود بهترین و مناسبترین موقع را بدست سلطان و زمامداران عثمانی داد، این توجه مصادف شد باتشکیل حکومت صفویه، شاه اسماعیل

سر سلسله و مؤسس حکومت

صفویه پس از تشکیل یک حکومت مرکزی و سرکوبی مدعیان داخلی ناگهان خود را در مقابل قدرت خطرناکی که از هر حیث باو برتری و تفوق داشت مواجه شد، مقابله با چنین قدرتی که تا آن زمان تا قلب اروپا رانده و دول مسیحی را به بیم و هراس انداخته بود از راه جنگ و ستیز امری دشوار بنظر می آمد بنا بر این لازم آمد که باعمال سیاست دستاویز شود پیش کشیدن سیاست مذهبی و اعلان طریقه شیعه بعنوان مذهب رسمی ایران بهترین حربه ای بود که توانست حس کینه و نفرت را از دشمنان خارجی در دل ایرانی که قرون متمادی اسیر پنجه اسارت خارجیان بود جایگزین نماید.



جانشینان شاه اسمعیل اغلب در مورد مخاطره بودند ولی هر زمان که موقع مناسب بدستی آوردند برای پس گرفتن نواحی از دست رفته حرکت و جنبشی میکردند ولی دل پر کینه و همت عالی و قدرت اراده بدون وسایل مادی تنها برای بر انداختن رقیب توانائی کافی نبود زیرا فتوحات پادشاهان صفویه بیش از تصاحب يك یا دو ناحیه تأثیر دیگری نداشت در صورتیکه اوضاع و سیاست طرفین بر افتادن و لا اقل ضعیف شدن امپراطوری مزبور را لازم میدادست.

شاه عباس از آغاز جلوسش بتخت سلطنت بموانع و مشکلات این کار پی برده و فهمیده بود که سر نیرومندی و توانائی عثمانیها نه تنها در کثرت سپاهیان است بلکه قوانین جدید نظامی و اسلحه آتشی که ارتش ایران فاقد آن بود عامل مؤثر این موفقیت است، از طرف دیگر بجزریان امور سیاسی دنیای آنروز بخوبی آگاهی داشت و میدانست دولی در اروپا خود را در راه ترقی و تعالی انداخته و با سرعت در این راه بجلو می تازند، پادشاه ایران دو منظور داشت یکی دفع شر دشمنان خارجی و دیگری انداختن ملت خود در راه ترقی و همقدم کردن آن باملل اروپائی لذا اجرای سه اصل را در رسیدن بآرزوی خویش از لوازم شمرد :

۱- دامن زدن بآتش کینه ایرانیان و یادآوری دوران اسارت آنها از

راه مذهب

۲- تشکیل ارتش منظم و مسلح با اسلحه جدید آن زمان

۳- جلب دوستی ملل اروپائی و داخل شدن در اتحاد بادولتهای آنها

اجرای منظور اول که در ضمن سیاست داخلی شاه عباس بود آسان بنظر می آمد زیرا نه تنها از نظر اجتماعی مذهب شیعه در میان قاطبه اهالی ایران از قرون متمادی ریشه دوانیده و نفوذ کامل در زندگانی او نموده بود بلکه تعدیات و آزار عثمانیها بشعیان و مخصوصاً منع و جلوگیری از زائرین امکنه مقدسه

درین‌النهرین یک‌نوع اختلاقی را طبعاً در دل ایرانی برضد باب عالی رسوخ داده بود.

عملی‌شدن قسمت دوم پادشاه ایران را در قدم اول باشکالات زیادی مواجه ساخت زیرا تربیت جنگی و از همه مهمتر نداشتن وسایلی برای تهیه اسلحه آتشی جدید و مخصوصاً خطر تهدید پی‌درپی خارجی‌ان برای پادشاهی که از هر طرف در مخاطره بود امری بس دشوار و انجام آن جز بیاری خواستن از دولی که همه‌گونه وسایل برای ایشان فراهم است چاره‌ای دیگر نبود. لذا این قسمت بخصوص سیاست داخلی و خارجی دربار صفویه را بخود مشغول می‌داشت

قسمت سوم کاملاً متوجه سیاست خارجی شاه‌عباس بود ولی نیل بدان بایشرفت عثمانیها در اروپا و تهدید دنیای مسیحیت و احتیاج پادشاهان اروپائی بوجود کمک نیرومند و توانائی مخصوصاً در مشرق آسان بود

دو قسمت اول و سوم از آغاز کار عملی و هر یک بنوبه خود بواسطه تردد سفرا و نمایندگان در فعالیت و جریان افتاد، از حسن اتفاق ورود برادران شرلی بدربار قزوین منظور دوم شاه‌عباس را نیز عملی و برطبق دلخواه او کارها برآدرسید، (۱)

آنطونی شرلی که عضو خاندان محترم انگلیس بنام شرلی بود در شهر ویستون (۲) به سال ۱۵۶۳ میلادی متولد شده تحصیلات خود را در شهر اکسفورد (۳) بانجام رسانید و در سال ۱۵۸۶ به‌لند رفت و در جنگ زوتفن (۴) (۱۵۹۱) شرکت نمود، هانری چهارم پادشاه فرانسه در مقابل خدماتش ویرا به‌نشان و

(۱) - از کتاب تاریخ ایران تألیف دکتر بیانی صفحات ۱۴۴ بیعد چاپ تهران

۲ - Wiston

۳ - Oxford

۴ - Zutphen



حمایل سن میشل (۱) مفتخر گردانید ولی الیزابت ملکه انگلیس از اینکه یکی از رعایایش از دست پادشاه خار-جی بافتخاراتی نایل آمده سخت متغیر شده دستور داد تا در اطراف این موضوع رسیدگی و آنطونی را به محاکمه جلب نمایند، سر انجام شرلی ناچار شد نشان و حمایل را برای پادشاه فرانسه پس بفرستد.

در سال ۱۵۹۵ در خدمت کونت دسکس (۲) که در این موقع عازم مسافرت جنگی در مستعمرات امریکایی اسپانیا

### آنطونی شرلی

(اقتباس از تاریخ روابط ایران و اروپا تألیف آقای فلسفی)

بود داخل شد. دو سال بعد آنطونی از طرف کونت مزبور بیاری دون سزار (۳) پسر خوانندهٔ دوک دوفرار که بر علیه پاپ رئیس روحانی کاتولیک قیام کرده بود مأمور شد ولی پیش از رسیدن شرلی میان پاپ و سزار صلح و آشتی شد لذا دسکس به شرلی پیشنهاد نمود که با چند نفر دیگر بایران برود و اطلاعات مفیدی از اوضاع آن کشور برای او تهیه نماید در ضمن بلکه بتواند پادشاه ایران را بر ضد حکومت در اتحاد کشورهای مسیحی داخلی نماید و بعلاوه ارتباط

۵ - Le cordon de Saint - Michel

۶ - Cte d' Essex

۷ - don César d' Est



تجارتی میان انگلیس و ایران را افتتاح کند، سرآنطونی شرلی پیشنهاد کونت را با کمال خورسندی پذیرفت و در ۲۴ مه ۱۵۹۸ میلادی با هیئتی مرکب از بیست و پنج نفر که مهترین آنها برادرش ربر شرلی (۱) و سروان پاول (۲) و ژان و آرد (۳) و ژان پارت (۴) و یک توپچی ماهر برای توب ریزی بود از راه ونیز بجانب ایران رهسپار شد.

شاه عباس در این زمان از مسافرت جنگی از بکها از خراسان می آمد، در قزوین هیئت را با گرمی و ملاطفت پذیرفت و آنطونی ضمن شرفیابی شش جفت گوشواره زمرد و دو قطعه جواهر از لعل و یک گیلای مینا کاری و یک نمکدان و یک گیلای بارفتن که در آن از نقره بشکل ازدها ساخته شده بود تقدیم شاه کرد، شاه عباس هم ده روز پس از شرفیابی شرلی شانزده قاطر بازینهای زربفت و ابریشمی و چهارده اسب بازینهای مرصع به فیروزه و زمرد و یاقوت برایش فرستاد، شرلی عنوان سفارت رسمی بخود نداده بلکه خویش را مانند جهانگرد متمولی که فقط برای گردش و دیدن ایران و در ضمن اگر باوی موافقت شود کمک و همراهی با پادشاه عظیم الشان ایران معرفی نمود.

درباریان و اطرافیان شاه که وجود جمعی از خارجیان را در دربار وهنی بزرگ می شمردند اعضای هیئت را بجاسوسی و انواع اتهامات در پیش شاه متهم نمودند ولی پشتیبانی اللهوردی خان سپهسالار ایران توانست رفع سوء تفاهات را نموده و شرلی و همراهان او را بیش از پیش در نظر شاه عباس صادق و خدمتگزار جلوه دهد.

۱ - Robert Shirley.

۲ - Le Capitaine Pawel

۳ - J. Ward

۴ - J. Parrot

یکی از پیشنهادات شرلی ترمیم ارتش و تربیت افراد بنظام جدید اروپایی و تهیه مقدار زیادی اسلحه آتشی که تا آن زمان دولت ایران فاقد آن بود یعنی مهمترین منظور و آرزوی شاه عباس شد. برادران شرلی در اندک مدتی بوعده خود وفا کرده افراد کار آزموده مسلح بتوپ و تفنگ را (پانصد عراده توپ و شصت هزار تفنگ) تحویل شاه دادند، در ضمن برای اینکه بیشتر حسن خدمت و وفاداری خود را برخ بکشند شاه را تحریک کردند که او نیز در اتحاد با کشورهای مسیحی که برضد عثمانیها در اروپا تشکیل شده بود داخل شود و نیز آنطونی حاضر شد شخصاً انجام این مهم را بعهده گرفته و بنام نماینده ایران بدربارهای اروپایی مسافرت کند و برای اثبات صدق پیشنهادات خود حاضر شد ربر برادرش را با پنج نفر از همراهان بعنوان گروهی در دربار باقی گذارد، شاه عباس که چنین پیش آمدی را در آرزو داشت پیشنهادات شرلی را پذیرفته او را بعنوان سفیر مخصوص خود مأمور دربارهای پادشاهان عیسوی اروپا نمود و در ضمن برای حفظ ظاهر یلدی از درباریان خود را بنام حسینعلی بیات با او همراه نمود، آنطونی شرلی با همراهان خود با استوار نامه و نامه های چندی برای پادشاهان مختلف اروپا از راه روسیه عازم شد (۱۰۰۷).

شاه عباس بدین سفارت که آنرا مقدمه اقدامات سیاست خارجی خود میدید فوق العاده اهمیت داده در ضمن در صدد بود که ابهت و شکوه دربار خود را که نمونه ای از قدرت و قوت ایران بود بدول اروپایی نشان داده بایشان بفهماند که در مشرق نیز حکومتی بوجود آمده که در آن زمان از هر حیث دوش بدوش دول غرب در پیشرفت است، پادشاه صفویه باندازه ای در موقیبت و رسیدن به نتیجه از این عمل امیدوار بود که بلا تأمل و با پشت گرمی سفیر سلطان محمد سوم عثمانی را که در این تاریخ بقزوین آمده بود در کمال خشونت جواب گفت و مسئولیت هر پیش آمد سوئی را بعنوان اینکه تمام اروپا بیاری وی کمر بسته بعهده گرفت.

«شاه عباس برای اینکه موقیبت های خود را بیشتر برخ باب عالی بکشد در





قزوین و بیشتر  
 در اصفهان با محمد  
 آقا چاوش باشی  
 فرستاده سلطان  
 عثمانی به بی اعتنا-  
 ئی و خون سردی  
 رفتار نمود مخصوص-  
 صاً که مطلع شد  
 که علت این سفا-  
 رت برای این  
 بوده است که  
 چون حیدر میرزا  
 در دربار عالی  
 وفات یافته و بر-  
 طبق عهد نامه  
 استانبول مقرر است  
 که باید یکی از  
 شاهزادگان صفویه

همیشه در آنجا اقامت داشته باشد و اکنون باید صفی میرزا فرزند ارشد شاه عباس به پایتخت  
 عثمانی برود بیش از پیش اسباب خشم ویرا فراهم ساخت و با اینکه سلطان  
 محمد سوم در هنگری بفتوحاتی نائل آمده و در خیال داشت که پادشاه ایران را  
 مورد تمسخر و حقارت قرار دهد معذک شاه عباس که شکست از بکها (متحدین  
 عثمانیها) را شکست سیاسی وی میدانست پیشدستی نموده برای انتقام امرداد  
 تاد در مجلس رسمی ریشهای محمد آقارا تراشیده او را مأمور ساخت که ریشهای خود را

بعنوان جواب برای ارباب خود ببرد، (۱)

اندازه اهمیت این سفارت را نیز میتوان از اعتبار نامه ای که شاد عباس به آنطونی

شرلی میدهد دریافت بدین مضمون: (۲)

در این زمان فرخنده يك نفر از نجبای اروپائی بنام آنطونی شرلی بمیل و اراده خود بنزد ما آمده است، شما پادشاهان و شاهزادگانی که معتقد بدین مسیح هستید بدانید و آگاه باشید که این شخصی است که واسطه دوستی میان ما و شما را فراهم ساخته است، از مدتها پیش بدین فکر بودیم که روابطی میان ایران و ممالک مسیحی افتتاح نمائیم ولی کسی که راه را هموار و این مهم را انجام دهد در دست نداشتیم این مرد نجیب افتخار این مهم را پیدا کرد و بمیل و اراده شخص خود اوست که بهمراهی یکی از ملازمان در گاه بنزد شما میفرستیم، با او در سر یک سفره غذا خورده و مثل دو برادر از یک جام آب نوشیده ایم، بنابراین ای پادشاهان مسیحی زمانی که او خود را بشما معرفی می کند بوی اطمینان کامل داشته باشید هر چه را که خواهد و بگوید همان است که از زبان ما شنیده اید، زمانی که پادری آنطونی قدم از بحر ( مقصود در بای خراسان ) فرانهد و بخاک پادشاه بزرگ مسکوی برسد امر دهد تا تمام حکام از کبیر و صغیر سفیر ما را همراهی و مساعدت کرده با عظمت و جلال بمسکو برسانند و چون دوستی میان ما و پادشاه مسکو محکم و پابرجاست بدینجهت او را از جانب ممالک روسیه فرستادیم و تقاضا داریم که مساعدتهای لازمه در آسایش و تامین او و اعضای سفارت بشود.

آنطونی شرلی پس از زحمات و مشقات فراوان و ماندن شش ماه در راه بالاخره بمسکو رسید ولی برخلاف اراده و سفارشهای شاه عباس تزار مسکوی بتحرک بعضی از همراهان شرلی باوی در کمال خشونت رفتار کرده و بعکس

۱ - Abbas Le grand. Le . Bellant. P . 94 Paris.

۲ - Hist. De La perse. Sir G. Malcolm. Tr. en Français. T. II. P.316.



حسینعلی بك را سفیر رسمی شناخته تمام احترامات لازم را دربارۀ وی بجا آورد. تا سه ماه به شرلی اجازه نداد از خانه بیرون آمده هر گونه ارتباطی را با خارج بخصوص با انگلیس های مقیم مسکو غدنن اکید کرد، تمام نامه های رسمی را از او گرفته و تفتیش نمود، پس از شش ماه اقامت در مسکو آنطونی اجازه یافت پایتخت تزار را ترك بگوید و به آرخانگل (۱) برود تا از آنجا کشتی گرفته به اشتتین (۲) برود.

پس از ورود به اشتتین از جانب دوک الا نبورک (۳) پذیرائی شده بجانب پراگ عازم گردید؛ امپراطور رودلف دوم سفارت را با تجمل و شکوه پذیرائی نمود، یک کالسکه شش اسبه برای تمام مدت اقامتش در پراگ در اختیار شرلی گذاشت ولی آنطونی از قبول عناوین و افتخاراتی که از جانب امپراطور بوی پیشنهاد شد سرباز زد، پیشنهادات پادشاه ایران با حسن قبول از طرف امپراطور تلقی شد و برای اینکه مذاکرات قطع نشود و به نتیجه قطعی برسد رودلف تصمیم گرفت سفیری از جانب خود بدربار ایران بفرستد. برای این مأموریت اتنی کاکاش دوزالون کمی انتخاب شد، از جزئیات احوال و زنده گانی این شخص اطلاعات زیادی در دست نیست فقط به اطلاعاتی که بوسیله آرنه (۴) مشاور

۱- Arkhangel.

۲- Stettin.

۳- Duc d' oldenbourg.

✱ سر آنطونی شرلی از این مسافرت بسایران مراجعت نکرد، از پراگ به رم (آوریل ۱۶۵۱) و از آنجا به ونیز رفت، در این شهر تا سال ۱۶۰۵ اقامت کرده سپس مجدداً به پراگ برگشت، امپراطور رودلف او را بعنوان سفارت نزد پادشاه مراکش فرستاد، شرلی پس از انجام این مأموریت در خدمت پادشاه اسپانیا داخل شده بفرماندهی نیروی دریائی مجتمع در سیسیل که برای حمله بترکان عثمانی تهیه شده بود انتخاب گردید و در جنگ با آنها شرکت کرد (۱۶۰۹)، پس از دریافت عناوین و افتخاراتی مانند عنوان کونتی از امپراطور و درجه شوالیه دوسان ژاگو (San gago) از پادشاه اسپانیا در سال ۱۶۳۶ در این کشور بدرود زندگی گفت

۴- Arneth.



ومدير اداره بایگانی دربار سلطنتی دروین منتشر شده است اکتفا میشود، این اطلاعات مستخرج است از نامه‌ای که کاکاش به آرشیدوشس ماری زن آرشیدوک شارل استیری (۱) و مادر فردنیان دوم نوشته است

اتی بن کاکاش دوزالون کمنی دکتر حقوق و مشاورانجمن ایالتی در ترانسیلوانی عضو یکی از خاندانهای قدیمی مقیم در کلوزنبورک (۲) می باشد، در زمانی که ماری کریستین (۳) دختر آرشیدوشس ماری وزن سیژیسموند باتوری (۴) در ایالت ترانسیلوانی اقامت داشت خدمات شایانی بوی کرد و از این پس بجانبداری از خاندان اطریش همت گماشته از اینراه جلب نظیر این خاندان کرده طرف مهر و محبت آنان واقع شد و چون بواسطه پیش آمدهائی مجبور بود مولد و موطن خود را ترک گوید برای فروش ضیاع و عقار خویش و اجازه اقامت در تیروول (۵) موافقت و کمک شاهزاده خانم ماری راتقاضا کرد، شاهزاده خانم هم برای جبران خدمات گذشته با تقاضاهای کاکاش موافقت کرده و حتی او را در پناه خویش گرفته از امپراطور خواست تا عنایات ملوکانه را شامل حال او بنماید (۱۶ اوت ۱۶۰۰) در نتیجه این سفارشات بنا بفرمان امپراطور فرما- نروای ترانسیلوانی دستور گرفت که وسایل حرکت کاکاش را از ترانسیلوانی فراهم کند و طبق فرمانی دیگر با حق تملک زمینهای اجازه یافت در تیروول اقامت کند.

الطاف امپراطوری باینجا خاتمه نیافت، برای جبران فداکاریهای کاکاش بخاندان امپراطوری اطریش بشخص آرشیدوشس ماری کریستین، رودولف دوم او را بعنوان فرستاده مخصوص خود مأمور دربار شاه عباس و پاسخ مأمور- ریتی که آنطونی شرلی بعهده داشت کرد، کاکاش هم يك نفر از اهالی ساکسون را

۱- Ch. de styrie.

۲- Clausenbourg.

۳- Marie christine.

۴- Sigismond bathory.

۵- Tyrol.

بنام ژرژ تکتاندر فون دریا بل بعنوان منشی مخصوص در خدمت گرفت. این شخص نوه مارتن تکتاندر (۱) از پیروان لوتر بود که احکام مذهبی او را در شهرهای لوانشتاین (۲) و درسد (۳) و مایسن (۴) تبلیغ نمود و بالاخره هم در این شهر آخری اقامت کرد ژرژ پس از مراجعت از ایران شرح مسافرت خود را ضمن گزارشی بعرض امپراطور رسانید و بطوریکه از سنانادی که در بایگانی های امپراطوری دروین مضبوط است مشاهده می شود ژرژ بازن کا کاش در خصوص اموال شوهرش مخصوصاً شمشیر مرصعی که شاه ایران باو داده بود نزاع و اختلاف شدیدی داشته است.

شرح مسافرت در ایران فوق العاده نادر و کمیاب بوده است، طبع اول آن که فوق العاده مغلوط است و حتی در خط سیر مراجعت تکتاندر اشتباه کرده بنام خود او منتشر شد ولی ژرژ عدم دخالت خود را در انتشار سفرنامه اش تکذیب نمود، در سال ۱۶۰۹ طبع دومی از این کتاب در آلتن بورگ (۵) در ایالت میسنی (۶) بنام دوک ساکس کریستیان دوم و شاهزادگان ژان و ژرژ و اگوست دو کهای ساکس و منتخب ماگدبورگ منتشر شد، از قرار معلوم سفرنامه حاضر طرف توجه مردمان عصر واقع شده بود زیرا مجلد دیگری از آن در یک سال پس از طبع دومی در دسترس عامه گذاشته شد که عنوان آن بقرار ذیل است:

ایتر پرسیکوم، که خلاصه ای از بیان واقع مسافرتی است که در سال ۱۶۰۲ مسیحی بفرمان اعلیحضرت امپراطور آقای شریف و نجیب اتی بن کا کاش دوزولون کمنی که از نجبای ترانسیلوانی است آغاز کرده و بوسیله همسفرش ژرژ تکتاندر فون

- ۱- martin tectander
- ۲- Lauenstein.
- ۳- Dresde.
- ۴- Meissen.
- ۵- Alten bourg.
- ۶- Misni.

دریا بل خاتمه یافته است :

مضامین آن که عبارت است از شرح وقایع حقیقی که در ضمن مسافرت در پولونی و ایتوانی و روسیه و مسکو و تاتاری و در کشورهای غازان و حاجی طرخان و در دریای خزر و در ایران و ارمنستان و سایر ایالات اروپا و آسیا اتفاق افتاده است بوسیله آقای تکتاندرفون دریا بل تنظیم و در مراجعتش به پراگ در تاریخ ۸ ژانویه ۱۶۰۵ میلادی بحضور اعلیحضرت امپراطور تقدیم شده است و در تاریخ ۱۶۰۹ با تجدید نظر در متن با اضافه صور و اشکالی که طلاکاری شده بود در شهر آلتنبورگ بخرج هنسینگ گروس ژون تجدید طبع گردید .

مجلدات فوق الذکر باندازه‌ای نایاب شد که آقای م. دوهورمر (۱) برای نشر شرح این مسافرت ناچار شد از کتاب خطی که در شهر وین در مجموعه جغرافیائی تاریخی اشاره‌ای بدان شده بود اقتباساتی بعمل آورده شرح مسافرت را برشته تحریر در آورد (۲)

شرح دیگری از مسافرت کاکاش بوسیله آقای آدلونک (۳) در کتابی که راجع بسافرت‌های در روسیه تا آغاز قرن هیجدهم میلادی نوشت انتشار یافت (۴)

شارل شفر اضافه می کند که بسیاری از مطالبی را که بنظر بی فایده می آمد در اتن ترجمه حذف کردم و این مطالب عبارتند از : اشعاری که در مدح تکتاندرفون

۱- M. de hormayr.

۲- Archive für geographie, historie, staa's-und kriegskunst. Jahrgang, 1819, No 11, 12, 27, 29, 37, 39, 40, 41.

۳- Adellung.

۴- Übersicht der reisenden in russland bis 1700, von adellung. st petersbourg, 1846. T. 11, pag. 127-136.



بوسیله دوستانش سروده شده بود؛ خطابه‌ای بزبان لاتین که قرار بود در حضور شاه عباس قرائت نماید و نیز سایر خطابه‌هایی که بهیچوجه جنبه تاریخی نداشت ولی بعکس بهتر دیدم خطابه‌ای را که کاکاش در حضور بوریس گراندوک مسکو قرائت کرده و نامه‌ای را که گراندوک مذکور بامپراطور رودولف نوشته در ملحقیات کتاب تذکر دهم.

